

حقوق ما

ما از عدالت سہمی داریم

سال دہم، شمارہ ۳ / ۲۴۴ شہریور ۱۴۰۲ / ۲۵ اوت ۲۰۲۵

محیط زیست؛ حقیقت یابہ و داد خواہ
بخش نخست



در این شماره می‌خوانید:

ابو دجله و روایت آب، حقوق و بقا در عراق

عدالت محیط زیستی و حقیقت‌یابی در دوران گذار

کمیسیون حقیقت‌یاب محیط زیستی، ضرورت و نیاز امروز جامعه ایران

گفت‌وگو با کاوه مدنی درباره ورشکستگی آبی و حقوق بشر و ضرورت

پاسخگویی جهانی

محیط زیست و دادخواهی: از سرکوب تا ضرورت کمیسیون حقیقت‌یاب

در ایران

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نیک‌آهنگ کوثر، روزبه بوالهری، حسین رئیسی و محمد تاج‌دولتی

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است

و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



نیک آهنگ کوثر

من سلمان هستم. دوست ندارم بگویم «کار» می‌کنم، بلکه خودم را مدافع حقوق بشر می‌دانم. نزدیک به ۲۰ سال است که در این عرصه فعالیت می‌کنم. فعالیتیم از دوران دبیرستان شروع شد، آن هم به‌طور ناگهانی.

در سال ۲۰۰۶ میلادی گروهی تروریستی خانواده مرا مجبور کرد بغداد را ترک کنیم و به بصره برویم. آنجا به یک سازمان محیط زیستی پیوستم و شروع به یادگیری کردم. در یکی از بررسی‌ها، دیدم مردم در هورهای عراق به دلیل نبود آب، خانه‌هایشان را ترک می‌کنند. فکر کردم من به‌خاطر خشونت آواره شدم و آن‌ها به‌خاطر آب. همین پیوند، مسیر زندگی مرا شکل داد.

مدرک کارشناسی‌ام را در رشته علوم محیط زیست در عراق گرفتم و بعد نخستین جنبش محیط زیستی کشور را برای دسترسی به آب آشامیدنی و قابل‌استفاده در دجله و فرات راه‌اندازی کردم. این حرکت با دو تن شروع شد و در عرض سه سال بیش از ۵۰۰ داوطلب در ۱۶ شهر داشت. ما به یکی از مراجع اصلی برای سازمان‌های داخلی و بین‌المللی تبدیل شدیم.

در سال ۲۰۱۹، در جریان اعتراضات بغداد، چادری در میدان تحریر برپا کردیم و آن را «وزارت جدید محیط زیست و منابع آب» نامیدیم. اما در سال ۲۰۲۰، وقتی صدای ما بلندتر شد،

سلمان خیرالله بیش از ۲۰ سال است که برای حفاظت از رودهای عراق و حقوق مردمی که زندگی‌شان به آن‌ها وابسته است تلاش می‌کند. او که به «پدر دجله» شهرت یافته است، نخستین جنبش مردمی محیط زیستی عراق را پایه گذاشت؛ حرکتی که با دو تن آغاز شد و خیلی زود به شبکه‌ای بزرگ با صدها داوطلب در سراسر این کشور تبدیل شد. اما تهدیدها، بازداشت و محدود شدن فضای مدنی او را ناچار به ترک عراق کرد. ابو دجله اکنون در تبعید، کار خود را با تمرکز بر دیپلماسی آب و عدالت محیط زیستی ادامه می‌دهد؛ در منطقه‌ای که آب بیشتر ابزار قدرت است تا یک حق انسانی. او در این گفت‌وگو از نبرد برای دسترسی به آب سالم، چالش‌های بالادست و پایین‌دست، و این‌که چرا حفاظت از رودهای عراق به معنای حفاظت از بقاست، سخن می‌گوید.

«پدر دجله» کیست؟ و شما طی این سال‌ها برای حفاظت از رودخانه و محیط زیست چه کرده‌اید؟

ابو دجله و روایت آب، حقوق و بقا در عراق



دولت و شبه‌نظامیان اقدام به محدود کردن فضا کردند. فعال محیط زیستی بودن در عراق مثل غرب نیست. آنجا یعنی مبارزه با تغییر اقلیم یا چالش با شرکت‌های نفتی، اما برای ما جنگ واقعی است. تهدید می‌شویم، و شب‌ها در خانه خود نمی‌خواهیم چون ممکن است به خاطر انتقاد از یک سد یا مزرعه ماهی، جان خانواده‌مان در خطر باشد.

و حالا در خارج از عراق زندگی می‌کنید؟ چون نمی‌توانید در داخل فعال باشید. درست است؟

دقیقاً. بعد از بازداشتی کوتاه مدت و فشارهای بین‌المللی آزاد شدم و عراق را ترک کردم. حالا در هلند فوق‌لیسانس می‌خوانم و بر حکمرانی آب و دیپلماسی آب تمرکز دارم. باور دارم جامعه مدنی نباید فقط آگاهی‌بخشی کند، بلکه باید در سطح دیپلماسی هم وارد شود، چون ما صدای جوامع محلی هستیم.

آیا دولت عراق، آب را به‌عنوان یک حق انسانی به رسمیت می‌شناسد؟

بر اساس تجربه من، به‌ویژه در ۲۰ سال گذشته، خیر. در دو سه سال اخیر، آب را بیشتر به‌عنوان ابزاری برای منازعه دیده‌اند تا یک حق. اقدامات آنها بیشتر برای مدیریت خطر درگیری است تا



حفاظت از حقوق مردم.

درباره بالادست و پایین‌دست صحبت کنیم. اگر ترکیه جریان آب را ببندد یا ایران رودهایی مثل زاب کوچک یا سیروان را منحرف کند، آیا دولت عراق نگران تبدیل آن به درگیری است؟

بله، نگران است. اما دولت و مذاکره‌کنندگان ضعیف هستند. ترکیه و ایران هم از این ضعف سوءاستفاده می‌کنند و می‌گویند عراق نظام مدیریت آب ندارد، پس چرا باید به این کشور

سال ۲۰۰۳ ایران آن را باطل اعلام کرد. ایرانیان از سال ۲۰۰۵ به بعد شروع به ساخت سد و قطع رودها کردند. اوضاع بعد از سد داریان در سال ۲۰۱۷ وخیم‌تر شد.

این موضوع تالاب‌های مشترکی مثل هورالهویزه (هورالعظیم در ایران) را هم نابود کرد، در حالی که تحت کنوانسیون رامسر منطقه حفاظت شده است. بنا براین ایران تعهداتش را نادیده گرفت، تالاب‌ها را خشک‌اند و به دنبال استخراج نفت رفت. تأثیر آن هم از کردستان تا بصره مشهود است.

داخل عراق چگونه؟ آیا مردم از نظر کیفیت و کمیت آب با مشکل مواجهند؟

قطعاً. ۸۰ درصد آب عراق از ترکیه و ایران می‌آید، ۲۰ درصد از بارش و برف در کردستان. اما در سال‌های اخیر ایران هیچ آبی نداده است و ترکیه هم بسته به سیاست خود مقدار کمی امکان ارسال آب را می‌دهد. این وضعیت هم به کمیت و هم به کیفیت آسیب رسانده است.

در داخل، عراق فاقد چشم‌انداز روشن برای حکمرانی آب است. راهبرد داریم اما اجرا نمی‌شود. فساد و سوءاستفاده گروه‌های قدرتمند اوضاع را بدتر می‌کند. از جمله با ایجاد مزارع غیرقانونی پرورش ماهی، آبیاری سنتی و پرمصرف، و استفاده‌های غیرمجاز تحت حمایت

آب بدهیم؟ آن‌ها موضوع را «حق بالادست» می‌دانند نه «حق مشترک». فقط از سمت ایران حدود ۴۰ رود فرعی داشتیم—۱۶ رود دائمی—که بیشترشان منحرف شدند. حتی سیلاب‌هایی که مخازن ما را پر می‌کرد، دیگر وجود ندارد.

این اقدامات ایران چه تأثیری بر محیط زیست و مردم عراق داشته است؟

اوضاع پیش از ۲۰۰۵ بهتر بود. حتی رژیم صدام توافق الجزایر ۱۹۷۵ را با ایران داشت. اما بعد از

گروه‌های مسلح. وزارتخانه‌ها هم هماهنگ نیستند. بیشتر آلودگی رودخانه‌ها هم از خود نهادهای دولتی است.

در ایران به خاطر نوشتن درباره مدیریت بد آب سانسور شدم. آیا در عراق هم چنین چیزی وجود دارد؟

بله. ما با نوعی استبداد جدید مواجه هستیم که با پوشش دموکراسی پنهان می‌شود. وزارت منابع آب به سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که با جامعه مدنی کار می‌کند، اما فقط گروه‌های همسو با خود را دعوت می‌کند و گروه‌های مستقل در لیست سیاه هستند. متأسفانه سازمان‌های بزرگی مثل UNDP هم این بازی را باور می‌کنند. در نتیجه دو نوع جامعه مدنی داریم: یکی 'ساختگی' با حمایت مالی دولت، و دیگری 'مستقل و حذف‌شده'. حتی فساد در توزیع بودجه بین‌المللی هم وجود دارد؛ دولت پول را به سازمان‌های وابسته به خود هدایت می‌کند.

پس نابرابری در دسترسی به آب وجود دارد؟

بین افراد نه، اما بین مناطق بله. بصره از ۲۰۰۵ به بعد رنج برده است و شرایط در استان‌های مرکزی مثل میسان، واسط، کربلا، نجف و حتی بغداد تازه از ۲۰۱۶-۲۰۱۸ به این طرف بحرانی شده است. تا ۲۰۲۰ کردستان هم آسیب دید. مسئله اصلی توزیع است یعنی عراق در شرایط آب کمتری دارد. بالادست بودن نباید به معنی حق بیشتر باشد، اما عملاً این‌طور است.

به عنوان یک فعال، عملکرد دولت عراق را از نظر عدالت محیط زیستی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اصولاً عملکردی وجود ندارد. اگر پول و پشتیبانی گروه‌های مسلح یا سیاستمداران را داشته باشید، هرچقدر آب بخواهید می‌گیرید. نمایندگان پارلمان می‌توانند در برابر رأی بیشتر برای شما مجوز ویژه بگیرند. مردم فقیر، مخصوصاً اعراب هور (اهوازی‌ها) که هزاران سال است در آنجا زندگی می‌کنند، بیشترین آسیب را می‌بینند. آن‌ها حق دارند اما بی‌عدالتی آن‌ها را قربانی کرده است.

درباره وزارت آب گفتید. آیا فساد در آنجا هم وجود دارد؟

در همه جا وجود دارد. سیستم «المحاصصة» (سهمیه‌بندی) باعث می‌شود که پست‌های دولتی مثل کیک بین احزاب تقسیم شود. هرکه سهم بزرگ‌تری دریافت کند، بیشتر رشوه می‌دهد و مجوزهای غیرقانونی برای مزارع پرورش ماهی، کشت و آبیاری صادر می‌کند.

فساد، اشتباهات و تصمیم‌گیری‌های از

بالا سال‌هاست که سیاست آبی را شکل داده است. آیا کمیسیون حقیقت‌یاب مستقل برای روشن کردن واقعیات و بازگرداندن حقوق مردم می‌تواند در عراق کارساز باشد؟

اگر مستقل باشد، هیچ‌کس مخالفت نمی‌کند. اما به نظر من دیر شده است. حالا باید بر یافتن راه‌حل‌های عملی برای خروج از بحران تمرکز کنیم. کمیسیون می‌تواند از گذشته درس بگیرد، اما وظیفه اصلی‌اش باید ارائه راه‌حل برای امروز باشد.

به عنوان پرسش آخر، شایعه‌ای مطرح بود که ایران از طریق خط لوله به بصره آب می‌دهد. این موضوع درست است؟

به آن «کانال کارون» می‌گویند. اما واقعیت این است که ایران گاهی پساب کشاورزی آلوده با شوری و TDS با میزان بالا را می‌فرستد. نه قابل شرب است، و نه برای کشاورزی و پرورش ماهی مفید است. عراق هم آن را مستقیم به دریا می‌ریزد.

در سال ۲۰۱۸ اعتراضات آبی در بصره رخ داد. اگر این اعتراضات دوباره اتفاق بیفتد، دولت با خشونت پاسخ می‌دهد؟

این اعتراضات هر سال رخ می‌دهند. و دولت برای جلوگیری از بحران، آب شهرهای بالادست را به بصره منتقل می‌کند. اما کمبود آن‌قدر شدید شده که از ماه‌ها پیش / اعتراضات از سر گرفته شده است. شبکه‌های اجتماعی هم با پخش شایعات و اطلاعات غلط کار را سخت‌تر می‌کنند.

سلمان خیرالله، صحبت با شما لذت‌بخش بود. متأسفم که زمان مصاحبه ما تمام شد، اما چیزهای زیادی یاد گرفتیم.

ممنونم و برای این فرصت سپاسگزارم که توانستم مشکلات مردم و جامعه‌ام را بیان کنم. امیدوارم اگر نه برای نسل حاضر، دست‌کم برای نسل بعدی کاری انجام دهیم.

شنیده‌ام که برای بصره به دنبال شیرین‌سازی آب دریا مثل کویت و امارات متحده عربی هستند. آیا مقررات محیط زیستی در این مورد وجود دارد؟

عدالت محیط زیستی و حقیقت یابی در دوران گذار



نیک آهنگ کوثر

ساختاری 'سپاه پاسداران و مافیاهای آب' تصمیم‌ها را کنترل می‌کنند' آن هم بدون هیچ توجهی به پیامدهای بلندمدت این تصمیم‌ها.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات، نبود مشارکت جوامع محلی است. کشاورزان و ساکنان منطقه دانش عمیقی از سرزمین خود دارند، اما در پروژه‌هایی که به طور مستقیم بر زندگی‌شان اثر می‌گذارد، به ندرت طرف مشورت هستند. نتیجه این کار، انباشت بحران‌ها است: تخریب اکولوژیک، بی‌ثباتی زمین، کاهش تنوع زیستی، و حتی سدهایی که برق وعده داده‌شده را تولید نمی‌کنند. این وضعیت پایدار نیست و نشانه‌های آن را در خشکسالی‌های پی‌درپی و زیرساخت‌های ناکارآمد می‌بینیم.

نیک آهنگ: دقیقاً. در آمریکا از زمان تأسیس سازمان حفاظت محیط زیست (EPA)، پروژه‌های بزرگ باید از فیلتر ارزیابی اثرات محیط زیستی عبور کنند. ساخت یک سد بزرگ در آمریکا واقعاً سخت شده است. اما در ایران برعکس این وضعیت عمل شده. از دهه ۱۹۹۰ تاکنون حدود ۶۵۰ سد ساخته شده، که دست کم ۱۵۰ مورد از آن‌ها سدهای بزرگ هستند، آن هم بدون ارزیابی‌های مستقل زیست‌محیطی. حتی برخی بدون مجوز سازمان حفاظت محیط زیست ایران ساخته شده‌اند.

سؤال من این است: در کشورهای دیگر، چگونه مسوولان را بابت نقض قوانین محیط زیستی پاسخگو می‌کنند؟ و در ایران، با این که اصل ۵۰ قانون اساسی به نظر یک اصل خوب محیط زیستی است، عملاً نادیده گرفته می‌شود. چه مکانیسم‌های حقوقی در جهان وجود دارد که ایران

هفته گذشته فرصتی فراهم شد تا با رجینا پالوس، وکیل برجسته حقوق کیفری بین‌الملل و سردبیر مجموعه کتاب‌های جرایم آبی و حقوق کیفری بین‌الملل و جرایم سبز و حقوق کیفری بین‌الملل گفت‌وگو کنیم. او در پژوهش‌های خود به پیوند میان تخریب محیط زیست، فساد و نقض حقوق بشر پرداخته و همین نگاه، او را به یکی از صداهای مهم و اثرگذار در زمینه نقش قانون در مقابله با فروپاشی محیط زیستی بدل کرده است. پالوس در مطالعاتش در ارتباط با آب و محیط زیست و حقوق بشر، روی سدسازی‌های گسترده در ایران و پیامدهای نادیده گرفتن حقوق جوامعی که تحت تأثیر این پروژه‌ها قرار گرفته‌اند تمرکز کرده است.

نیک آهنگ کوثر: رجینا! وقتی مقالاتت درباره آب و حقوق بشر را مرور می‌کردم، دیدم که روی بحران‌های جنوب غرب ایران هم متمرکز بوده‌ای. این برایم جالب بود چون خودم هم سال‌ها روی این مسائل کار کرده‌ام. برداشت تو از آنچه در آن منطقه رخ داده، به‌ویژه با سدهایی که به مردم و زمین تحمیل شدند، چیست؟

رجینا پالوس: شرایط بسیار دشواری است. اطلاعاتی که از ایران بیرون می‌آید محدود و اغلب سرکوب شده است، بنابراین فعالان و کارشناسان نمی‌توانند آزادانه صحبت کنند. اما آنچه می‌دانیم، نشان می‌دهد که طوفانی در راه است. بحران تغییرات اقلیمی شدید است و علاوه بر آن فساد

می‌تواند از آن‌ها درس بگیرد؟
رجینا: این مسأله‌ای است که در سراسر جهان می‌بینیم. در ایالات متحده، راه‌های مختلفی برای پاسخ‌گویی وجود دارد از جمله شکایت در دادگاه‌های ایالتی و فدرال، و همچنین نظارت نهادهایی مثل EPA. تفاوت اینجا است که حاکمیت قانون در عمل رعایت می‌شود و همین باعث اثرگذاری این سازوکارها شده است. در هند دادگاه‌های ویژه‌ای به نام «دادگاه‌های سبز» وجود دارند که فقط به پرونده‌های محیط زیستی رسیدگی می‌کنند. آن‌ها بررسی می‌کنند که آیا ارزیابی‌های محیط زیستی درست انجام شده، آیا در مورد آن‌ها با جوامع محلی مشورت شده، و آیا روند مطابق با قانون بوده است یا نه. این یک الگوی نوآورانه است، اما مشکل در اجراست! احکام صادر می‌شوند، ولی از اجرای احکام خبری نیست.
 در بسیاری از کشورهای آسیایی، ارزیابی‌های محیط زیستی فقط نقش «مهر تأیید» دارند. همان شرکت‌هایی که سد می‌سازند، ارزیابی را هم می‌نویسند و دولت‌ها آن را تصویب می‌کنند، و فساد از طریق رشوه و روابط چرخشی ادامه می‌یابد. در این روند، نگرانی‌های محیط زیستی یا اجتماعی کاملاً نادیده گرفته می‌شود.
 برای ایران، نقطه آغاز باید احترام به حاکمیت قانون و دسترسی واقعی به عدالت باشد. بدون آن، هیچ‌یک از قوانین موجود، از جمله اصل ۵۰ قانون اساسی یا تعهدات بین‌المللی، معنا پیدا نمی‌کند. در حال حاضر مدافعان محیط زیست که اعتراض می‌کنند، سرکوب می‌شوند، دادگاه‌های نمایشی

برای آن‌ها برگزار می‌شود و این فعالان زندانی هم می‌شوند. نمونه‌اش اعتراضات بر سر آب در خوزستان بود.
 پس دو مسأله فوری باید حل شود: اول، ایران باید حاکمیت قانون و دسترسی به عدالت را جدی بگیرد؛ دوم، به عنوان عضو «کنوانسیون مبارزه با فساد» سازمان ملل، باید با فساد ریشه‌دار در بخش آب مقابله کند. اگر این پایه‌ها گذاشته شود و کشاورزان و جوامع محلی در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داده شوند، می‌توان تغییرات معناداری دید. در غیر این صورت، پاسخ‌گویی غیر ممکن خواهد بود.
نیک آهنگ: کاملاً درست است. چیزی که نگرانم می‌کند این است که بسیاری از کسانی که از پروژه‌های مخرب سدسازی در ایران، یعنی همان «ماfiای آب»، سود بردند، بعدها به خارج از ایران رفتند و با ثروت به دست آمده از پروژه‌ها در اروپا یا کانادا سرمایه‌گذاری کردند. آن‌ها می‌دانستند پروژه‌ها فاقد ارزیابی‌های لازم است و به مردم آسیب می‌زند، اما باز هم میلیون‌ها دلار سود بردند. سیاستمداران در کشورهای دموکراتیک به ندرت می‌پرسند این پول‌ها از کجا آمده است. آیا سابقه‌ای وجود دارد که چنین افرادی بعد از فرار، بازخواست شوند؟

قرار گیرند. این حوزه به‌طور فوری نیاز به توجه بیشتری دارد.
 به‌ویژه جوامع باید به فکر جبران خسارت باشند، چگونگی مطالبه بازپس‌گیری زمین‌ها، معیشت و محیط زیستی که آگاهانه از آن‌ها گرفته شد. برای بسیاری از مردم، این مسائل از هم جدایی‌ناپذیرند: فساد، تخریب محیط زیست و نقض حقوق بشر هم‌پوشانی دارند.
 برای جلوگیری از این حوزه ابتدا باید آگاهی‌بخشی بیشتری درباره نحوه عملکرد سیستم انجام شود تا همه بدانند که چگونه از پروژه‌های مخرب سود کلان به دست می‌آید و سپس در پناهگاه‌های امن خارج از کشور پول‌شویی انجام می‌گیرد. پیوند بین فساد و ویرانی محیط زیست هنوز به‌اندازه کافی مورد بحث قرار نگرفته است و باید به بخشی از دستور کار حقوقی و عدالت تبدیل شود.
نیک آهنگ: در داخل ایران دولت و پیمانکارانش روزنامه‌نگاران را هم تطمیع می‌کنند تا برای سیاست‌های وزارت نیرو تبلیغ کنند و به مردم القا می‌شود که سدها راه‌حل هستند نه مشکل. اگر روزی کمیسیون حقیقت‌یاب آب و محیط‌زیست تشکیل شود، چطور می‌توان هم رشوه‌دهندگان و هم رشوه‌گیرندگان را پاسخگو کرد؟
رجینا: به نظر من، با توجه به سابقه جمهوری اسلامی در قبال جنایات، چه در واکنش و چه در سکوت، وجود یک کمیسیون حقیقت‌یاب مردمی ضروری است. چنین کمیسیونی روشن می‌کند چه اتفاقی افتاده است، مسؤولان را شناسایی می‌کند و اسنادی تهیه می‌کند که دولت همیشه سعی در پنهان کردن‌شان داشته است. خیلی وقت‌ها تمرکز فقط روی قربانیان انسانی است، در حالی که تخریب محیط زیست همه‌چیز را تحت تأثیر قرار می‌دهد: مردم، حیات‌وحش و کل زیست‌بوم‌ها. پیامدها بسیار سنگین است و همانطور که در نوشته‌های خودت هم گفته‌ای، ایران احتمالاً با موجی از «پناهجویان کم‌آبی» روبه‌رو خواهد شد که ناچار به ترک خانه‌های‌شان می‌شوند.
 یک کمیسیون حقیقت‌یاب در حوزه آب و محیط زیست، چه مردمی باشد و چه بعدها مورد حمایت نهادهای رسمی قرار گیرد، می‌تواند درک جامعه از این مسائل را متحول کند. همچنین می‌تواند با تبلیغاتی که شرکت‌های روابط عمومی و رسانه‌های وابسته به دولت برای سفیدشویی خسارت‌ها تولید می‌کنند، مقابله کند. نمونه‌های مستقلى مثل «ایران تریبونال» نشان دادند که حتی بدون پاسخ‌گویی حکومت، می‌توان اسناد جنایات را ثبت کرد.
 در سطح بین‌المللی هم نمونه‌هایی وجود دارد. برای مثال، «کمیسیون جهانی سدها» نهادی مستقل بود که در سال ۲۰۰۰ گزارشی تاریخی درباره سدسازی و حقوق منتشر کرد. آن گزارش حالا قدیمی شده، اما همچنان الگویی است برای اینکه چگونه کمیسیون‌های مستقل می‌توانند عملکرد جهانی را بررسی کنند. شاید زمان آن رسیده باشد که جامعه بین‌المللی نهاد مشابهی را دوباره شکل دهد، این بار با به‌روزرسانی بر اساس حق داشتن محیط زیست سالم و دیگر هنجارهایی که از ۲۰۰۰ به بعد توسعه یافته‌اند. ترکیب چنین کمیسیونی با یک

فرآیند حقیقت‌یاب مردمی می‌تواند ابزار قدرتمندی برای پاسخ‌گویی و عدالت در پرونده‌هایی مثل ایران باشد و همین‌طور برای جوامعی در سراسر جهان که از پروژه‌های مخرب کلان آسیب دیده‌اند.

نیک آهنگ: این موضوع به بُعد منطقه‌ای هم کشیده می‌شود. ایران تنها نیست. پروژه GAP ترکیه روی دجله و فرات، جوامع پایین‌دست در سوریه و عراق را نابود کرد. خود ایران هم جلوی ورود رودخانه‌ها به کردستان عراق را گرفته است. این روند جهانی است و خطر فروپاشی تمدن‌ها را به دنبال دارد. جامعه حقوق بشر چه نقشی باید داشته باشد تا سازمان‌هایی مثل سازمان ملل را وادار کند این موضوع را جدی بگیرند؟

رجینا: این پرسش خیلی مهمی است و من هم به‌تازگی زیاد به آن فکر کرده‌ام. همانطور که می‌دانی، من اخیراً کتاب جرایم آبی و حقوق کیفری بین‌الملل را همراه با گروهی از پژوهشگران منتشر کردم. ما این پرسش را مطرح کردیم که با جرایمی که به آب و اقیانوس‌ها مربوط می‌شود چه باید کرد؟ یکی از فصل‌ها، نوشته همکارم رونالد روگو، پروژه‌ی سدسازی‌ای در آفریقا را بررسی می‌کند که اثر آن بر جوامع بومی آن‌قدر ویرانگر بوده است که او استدلال می‌کند این می‌تواند مصداق نسل‌کشی باشد.

این مثال نشان می‌دهد که نیاز فوری به مکانیسم‌های قوی‌تر بین‌المللی وجود دارد. مثلاً سازمان ملل باید یک مأموریت ویژه با موضوع حقوق و حفاظت از آب ایجاد کند. این کار آب را به‌عنوان مساله‌ای دائمی در حوزه حقوق بشر و

عدالت ارتقا می‌دهد. حداقل باید مأموریت‌های موجود -مثل مهاجرت اقلیمی، حقوق بومیان و محیط‌زیست- آب را به‌طور مستقیم‌تر دربرگیرند. خطرات نادیده گرفتن این مساله همین حالا مشخص است. به پروژه عظیم سدسازی چین در تبت نگاه کن؛ گفته می‌شود حتی بزرگ‌تر از «سد سه دره» خواهد بود. دانشمندان هنوز اکوسیستم هیمالیا را به‌خوبی نمی‌شناسند، اما پیامدهای بالقوه آن برای منطقه بسیار گسترده خواهد بود.

به همین دلیل، افزایش آگاهی ضروری است. خیلی وقت‌ها تحلیل‌های مهم، مثل نوشته‌های تو، به دست سیاست‌گذاران یا افکار عمومی نمی‌رسد. در عین حال، ابتکارات مردمی مثل «دادگاه‌های حقوق طبیعت» نشان می‌دهند که جامعه مدنی می‌تواند این موضوعات را به بحث عمومی وارد کند، حتی اگر اثرات بلندمدت‌شان هنوز به‌طور کامل بررسی نشده باشد.

حقوق بین‌الملل هم می‌تواند نقش‌آفرینی کند. همین اواخر، دیوان بین‌المللی دادگستری نظر مشورتی درباره عدالت اقلیمی صادر کرد. آب هم باید به همین سطح توجه برسد. حتی در عراق بحث‌هایی مطرح شد که پرونده‌ای علیه ایران بابت انحراف رودخانه‌ها به دیوان بکشاند، هرچند که عملی نشد. باین‌حال، این مسیرها باید کاویده شوند.

واقعیت این است که ما چند دهه وقت نداریم. حکمرانی ضعیف و تخریب محیط‌زیست همین حالا هم رنج عظیمی برای جوامع ایجاد کرده، امنیت غذایی را تهدید و جمعیت‌ها را آواره می‌کند.

این مشکلی برای آینده دور نیست—این بحران همین امروز است.

نیک آهنگ: کاملاً درست است. در سوریه، خشکسالی ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ که با سدهای ترکیه در بالادست تشدید شد، موجب مهاجرت‌های گسترده شد. اما تمرکز همیشه فقط روی تغییرات اقلیمی است، نه اقدامات کشورهای بالادست. کاهش جریان دجله و فرات، بی‌ثباتی در عراق را تشدید کرد و حتی به قدرت گرفتن داعش کمک کرد. چگونه می‌توان کشورهایی را که هنجارهای بین‌المللی را رد می‌کنند، پاسخ‌گو کرد؟

رجینا: فکر می‌کنم پرسش اصلی این است: پاسخ‌گویی واقعاً چه معنایی دارد؟ همه موافق نخواهند بود که ساخت یک سد «جنایت» است. بعضی خواهند گفت این فقط علم ناقص بوده یا برنامه‌ریزان نمی‌توانستند خشکسالی‌ها را پیش‌بینی کنند. به همین دلیل، هر پروژه باید به‌طور جداگانه بررسی شود، چه کسی تصمیم گرفت، چه دانشی در دسترس بود و پیامدهای واقعی چه بودند.

شخصاً فکر نمی‌کنم سدها امروز در ایران کارایی داشته باشند. در شرایط خشکسالی، اصلاً جواب نمی‌دهند. برچیدن سدها و احیای رودخانه‌ها بسیار مؤثرتر خواهد بود. نمونه‌اش را در شمال غرب آمریکا دیدیم؛ قبایل بومی برای حذف سدهای رودخانه کلامث مبارزه کردند و موفق شدند. حالا جمعیت ماهی آزاد برمی‌گردد، اکوسیستم احیا می‌شود و معیشت‌ها دوباره برقرار می‌شود. این نوعی پاسخ‌گویی از طریق دادخواهی و ترمیم است، ادامه دهیم.

اما هرگز به سطح مسوولیت کیفری نرسید. پس پاسخ همیشه وابسته به زمینه قبلی آن است. در ترکیه، مثلاً اگر جوامع محلی از پروژه‌های سد حمایت کرده باشند، دقیقاً چه کسی باید پاسخگو باشد؟ نمی‌توان نسخه‌ای واحد نوشت که همه باید زندانی شوند. در عوض باید پرسید: خود مردم آسیب‌دیده چه می‌خواهند؟ آیا خواستار محاکمه‌اند؟ یا جبران خسارت؟ یا احیای محیط‌زیست؟ تعریف پاسخ‌گویی یعنی مرکزیت دادن به صدای همان جوامع.

نیک آهنگ: کاملاً موافقم. عدالت نباید به معنای اعدام یا انتقام باشد. بعد از انقلاب ۱۳۵۷ در ایران، اعدام مقام‌ها هیچ مشکلی را حل نکرد. عدالت واقعی یعنی کاستن از خسارت‌ها، ترمیم، و درس گرفتن از اشتباهات. در مورد ایران، کارشناسان از همان سال ۱۳۶۷ هشدار دادند که تغذیه مصنوعی سفره‌های آب زیرزمینی -نه سدسازی- راه‌حل پایدار است. نیاکان ما سه‌هزار سال منابع آب زیرزمینی را مدیریت کردند، اما رهبران کشور آن خرد را نادیده گرفتند و به پروژه‌های پرزرق‌وبرق و ویرانگر روی آوردند.

زمان ما برای مصاحبه تمام شد، اما ممنونم رجینا که به چنین پرسش‌های دشواری پاسخ دادی. این گفت‌وگوها چیزی است که باید ادامه پیدا کند.

رجینا: ممنونم نیک. ممنون از این سوال‌های سختی که پرسیدی، چون ما را وادار می‌کنند فراتر از بدیهیات فکر کنیم. مشتاقم که این گفت‌وگو را ادامه دهیم.

کمیسیون حقیقت‌یاب محیط زیستی، ضرورت و نیاز امروز جامعه ایران



وضعیت کنونی محیط زیست ایران

محیط زیست ایران با بحران‌های متعددی روبه‌رو است.

بر هیچکس پوشیده نیست که کشور در شرایط و در عمق بحران زیست محیطی قرار گرفته است. ضرورت داشتن استراتژی مقابله کوتاه و بلند مدت و تاب آوری محیط زیستی، ایجاب می‌کند تا از وضعیت موجود به سمت بهبود تدریجی شرایط گام برداشته شود. بخشی از مسیر تاب آوری متکی به داشتن برنامه روشن برای یافتن مستندات لازم و علمی، برخورد با عوامل تخریب است. همچنین مجازات کسانی که آگاهانه و حتی نا آگاهانه در این مسیر اقدام به تخریب یا تسهیل نابودی محیط زیست کرده‌اند.

کافی است به گوشه ای اندک از گزارش‌ها، آمارهای رسمی و حکومتی توجه شود. برای مثال، حوا رئیس‌ی ۱۰ ساله در بلوچستان، زمانی که برای برداشت آب به رودخانه مراجعه می‌کند، مورد حمله گاندو قرار می‌گیرد و یک دستش را از دست می‌دهد (گزارش ایسنا ۱۳۹۹). بی‌توجهی به تامین آب سالم برای شهروندان محروم آنها را قربانی می‌کند. همچنین جنگل‌ها به عنوان مهمترین عامل تامین امنیت آب و خاک، تخریب و با فرسایش شدید روبرو شده‌اند.

مهمترین عامل بازدارندگی در مقابل سیلاب‌های ناگهانی و عوامل اساسی در تامین امنیت غذایی، کشاورزی تامین سلامت شهروندان، کمک به بهبود اقتصادی و تامین معیشت مردم، مهار پیامدهای تغییرات اقلیمی محسوب می‌شود. تخریب جنگل نباید بدون مسئولیت و پیامد برای عوامل تخریب کننده آن باشد. طبق گزارش سازمان جنگل‌ها، مساحت جنگل‌های ایران طی یک قرن گذشته از حدود ۱۸ میلیون هکتار به کمتر از ۱۲ میلیون هکتار کاهش یافته است (سازمان منابع طبیعی، ۱۴۰۲).



حسین رئیسی
وکیل و استاد حقوق بشر

مقدمه

تصور کنید روند تخریب جنگل‌ها، مراتع و منابع آبی ایران، همان‌گونه که طی ۴۶ سال گذشته شاهد بوده‌ایم، ادامه یابد؛ آیا با منابع آبی اندکی که باقی مانده است، ایران همچنان جای امنی برای زندگی، سلامت و امنیت غذایی خواهد بود؟ آیا در شرایطی که سرانه فضای سبز، کیفیت آب آشامیدنی و امنیت کشاورزی به‌طور مداوم کاهش یافته است، می‌توان به آینده‌ای پایدار امید بست؟ این پرسش‌هایی هستند که سال‌هاست که کارشناسان محیط زیست در مورد آنها هشدار می‌دهند، اما سیاست‌ها و اقدامات ناکارآمد دولت‌ها مانع تخریب گسترده محیط زیست نشده است.

در چنین شرایطی، از یک طرف به منظور داشتن و بقای اکوسیستم، و پایداری یا تاب آوری محیط زیستی از یک سو، همچنین از سوی دیگر دسترسی به عدالت محیط زیستی، تضمین برخورد با سودجویان، حذف فضاها و امکانات رانتی، ایجاد احساس امنیت زندگی برای شهروندان و پاسخگویی در قبال آیندگان، ایجاد یک «کمیسیون حقیقت‌یاب محیط زیستی» به‌عنوان نهادی مستقل و شفاف، ضرورتی انکارناپذیر برای ایران امروز و آینده است. استفاده از کمیسیون یا کمیسیون‌های حقیقت‌یاب محیط زیستی می‌تواند بخشی از استراتژی ایران در مسیر گذار به آینده بهتر تعریف شود.

پرسش این است که چگونه می‌توان عدالت را برای کودکان بلوچ و برای انسان‌هایی که در اثر تخریب محیط زیست، جنگل‌ها و منابع آبی آسیب می‌بینند، تحقق بخشید؟ در این مورد کمیسیون‌های حقیقت یاب می‌توانند بهترین ارگان‌های موقتی باشند که به ابعاد تخریب بپردازند و با شناسایی عوامل آن امکان مقابله، کشف حقیقت محیط زیستی، تغییرات مناسب و مجازات عوامل دخیل در آن را فراهم کنند.

مراعات و زمین‌های کشاورزی

علاوه بر آنچه گفته شد، بر اساس آمار سازمان محیط زیست، سالانه بیش از دو میلیون هکتار از مراتع در معرض بیابان‌زایی و فرسایش خاک قرار دارند. ادامه این روند بدون برنامه مناسب و استفاده از توان قضایی - حقوقی و با بسیج جامعه مدنی در مقابله با آن امکان پذیر نخواهد بود.

منابع آب و تالاب‌ها

گزارش سال ۲۰۲۳ میلادی بانک جهانی نشان می‌دهد که سرانه آب تجدیدپذیر ایران به کمتر از ۱۵۰۰ مترمکعب در سال رسیده که در آستانه «تنش آبی شدید» است. در سال ۱۹۶۰ این عدد بیش از ۴۰۰۰ مترمکعب بود. بر اساس گزارش سال ۲۰۲۲ میلادی برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، بیش از ۷۰ درصد تالاب‌های ایران یا خشک شده‌اند یا در معرض خشک شدن قرار دارند و در این مورد می‌توان به سرانجام دریاچه‌های بختگان، ارومیه و هامون اشاره کرد.

این روند نتیجه سیاست‌های ناپایدار، سوءمدیریت منابع و غلبه نگاه کوتاه‌مدت اقتصادی بر ضرورت‌های زیست‌محیطی است. کمیسیون‌های حقیقت یاب زیست محیطی می‌توانند به جزئیات رفتارهای نادرست مدیریتی بپردازند و راه را برای

عدالت محیط زیستی و امنیت انسانی

عدالت محیط زیستی به معنای توزیع عادلانه منابع طبیعی و تضمین دسترسی همگانی به محیطی سالم است. تخریب محیط زیست، نقض آشکار این عدالت و همچنین تهدیدی جدی برای حقوق بشر محسوب می‌شود.

بحران‌های زیست‌محیطی تأثیر مستقیمی بر امنیت غذایی، سلامت فردی و جمعی و حتی مهاجرت‌های اجباری دارند. بر اساس گزارش وزارت جهاد کشاورزی، در ده سال گذشته بیش از ۴۰ درصد اراضی کشاورزی ایران با کاهش بهره‌وری آب و خاک مواجه بوده‌اند. همچنین طبق آمار رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کمبود منابع آبی موجب مهاجرت ده‌ها هزار خانوار روستایی در استان‌های خوزستان، سیستان و بلوچستان و فارس شده است.

بنابراین، عدالت محیط زیستی نه تنها برای نسل امروز، بلکه برای بقای آیندگان، ضرورتی حیاتی است.

ضرورت ایجاد کمیسیون حقیقت‌یاب محیط زیستی

در شرایطی که دولت‌ها اغلب خود بخشی از مشکل بوده‌اند، یک کمیسیون حقیقت‌یاب محیط زیستی می‌تواند به‌عنوان نهادی مستقل، وظیفه

روشن‌سازی ابعاد بحران و مستندسازی تخریب‌ها را بر عهده گیرد. وظایف اصلی این کمیسیون می‌تواند شامل موارد زیر باشد: الف: مستندسازی و گزارش‌دهی درباره تخریب جنگل‌ها، مراتع، تالاب‌ها و منابع آب

نتیجه‌گیری

ب: شناسایی مسئولان، سازمان‌ها و نهادهای دخیل در بحران‌های زیست محیطی. ج: ارائه راهکارهای شفاف به دولت، جامعه مدنی و نهادهای بین‌المللی. د: حفظ حقوق نسل‌های آینده از طریق ثبت واقعیات و جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته. ی: فراهم سازی امکان محاکمه، جبران خسارات و بازدارندگی و حفظ منابع زیست محیطی در آینده.

راهکارها و پیشنهادها

برای تحقق این ایده، چند اقدام کلیدی ضروری است:

مشارکت جامعه مدنی

۱- سازمان‌های مردم‌نهاد، کانون‌های وکلای دادگستری، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها باید نقش فعالی در جمع‌آوری داده‌ها و نظارت ایفا کنند.

شفافیت اطلاعات

انتشار آزاد آمار و گزارش‌ها، اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد.

الزام دولت به پاسخ‌گویی

دولت‌ها باید موظف به ارائه توضیح درباره سیاست‌های خود و جبران خسارت‌ها باشند.

آموزش و فرهنگ‌سازی

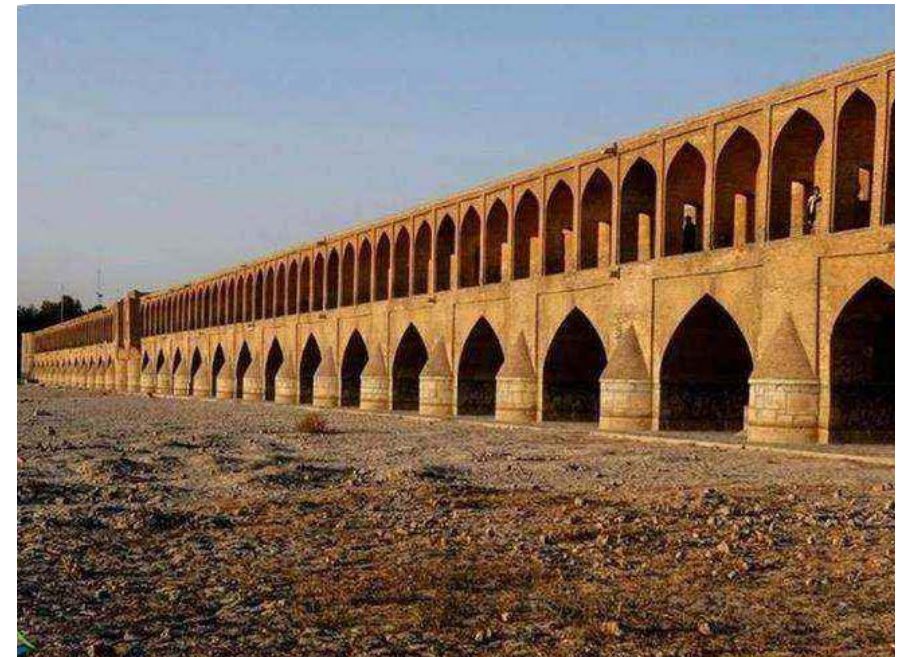
کمیسیون‌های حقیقت یاب نقش آموزش مستقیم مردم را نخواهند داشت، اما با شیوه فعالیت آنها

منابع

- ۱- سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، گزارش سالانه ۱۴۰۲
- ۲- سازمان حفاظت محیط زیست ایران، «گزارش ملی بیابان‌زایی»، ۱۴۰۱
- ۳- بانک جهانی (World Bank), Renewable Internal Freshwater Resources per Capita - Iran, 2023
- 4- United Nations Environment Programme (UNEP), Iran Wetlands Status Report, 2022.
- ۵- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «بررسی پیامدهای اجتماعی بحران آب»، ۱۴۰۰.
- ۶- وزارت جهاد کشاورزی، گزارش سالانه بهره‌وری اراضی کشاورزی، ۱۳۹۹.



گفت‌وگو با کاوه مدنی درباره ورشکستگی آبی و حقوق بشر و ضرورت پاسخ‌گویی جهانی



محمد تاج‌دولتی

اما واقعیت این است که اغلب هیچ مشوق مالی برای رسیدگی درست به مسائل آب و بهداشت وجود ندارد. در سراسر جهان، بسیاری از مشکلات اگر مشوق‌های قوی بازار وجود داشت، به شکلی بنیادی‌تر حل می‌شد. به همین دلیل حتی در فقیرترین مناطق، کودکان و خانواده‌های روستایی تلفن همراه دارند، اما آب آشامیدنی سالم نه، چون تلفن همراه برای شرکت‌ها سود فوری ایجاد کرد، در حالی که آب و بهداشت چنین نکرد.

محمد تاج‌دولتی: این نکته مهمی است: با وجود آن که سازمان ملل و دولت‌های عضو آن، دسترسی همگانی به آب سالم و بهداشت تحت عنوان هدف شماره ۶ توسعه پایدار (SDG ۶) را یک هدف اساسی اعلام کرده‌اند، این بخش همچنان به شدت کم‌بودجه است. تنها حدود ۵ درصد کمک‌های توسعه‌ای به WASH (آب، بهداشت و بهداشت فردی) اختصاص می‌یابد. چرا فقط ۵ درصد، وقتی میلیاردها نفر آب سالم و سرویس بهداشتی ندارند و سلامت، پیشرفت و کیفیت زندگی در خطر است؟

پروفسور کاوه مدنی، دانشمند برجسته حوزه آب و محیط زیست، ریاست مؤسسه دانشگاه ملل متحد برای آب، محیط‌زیست و سلامت (UNU-INWEH) را بر عهده دارد؛ نهادی که به‌عنوان «اتاق فکر آب سازمان ملل» شناخته می‌شود. او در گفت‌وگو با «حقوق ما»، به شکست جهانی در تأمین آب سالم و بهداشت برای میلیاردها نفر، فقدان پاسخ‌گویی در قبال سیاست‌های ویرانگر آبی، و ضرورت حکمرانی علمی و همکاری بین‌المللی برای شناسایی آب نه صرفاً به‌عنوان یک منبع فنی، بلکه به‌عنوان یک حق بنیادین بشری می‌پردازد.

محمد تاج‌دولتی: بسیاری معتقدند سیاست‌های ویرانگر آبی با وجود هشدارها و ویرانی‌ها همچنان ادامه دارد. چگونه می‌توان چارچوب‌های پاسخ‌گویی را تقویت کرد تا دولت‌ها و مسئولان بدون مجازات‌رها نشوند؟

کاوه مدنی: همیشه نباید فرض کنیم که افراد به‌طور مستقیم از شکست سود می‌برند.

کاوه مدنی: بله، تهدیدهای دولت ترامپ برای قطع کمک‌ها نگران‌کننده بود، اما ما را واداشت تا یک پرسش اساسی بپرسیم: این کمک‌ها کجا خرج شده است؟ متأسفانه، بسیاری از منابع به جای درست اختصاص نیافته‌اند. در کل، جهان در اولویت‌دادن به SDG ۶ شکست خورده است. اگر اینجا شکست بخوریم، نباید انتظار موفقیت در سایر اهداف توسعه پایدار از جمله اقدام اقلیمی را داشته باشیم. این دو جدایی‌ناپذیرند. بدون آب، اهداف اقلیمی تحقق نخواهند یافت.

محمد تاج‌دولتی: چگونه می‌توان پاسخ‌گویی را تقویت کرد تا سیاست‌های مخرب آبی و سوءمدیریت زیست‌محیطی به‌عنوان نقض حقوق بشر شناخته شوند؟

کاوه مدنی: سازمان ملل 'آب را به‌عنوان یک حق بشری به رسمیت شناخته و بسیاری از بیانیه‌های بین‌المللی بر ارزش آن تأکید دارند. اما شناسایی بدون ضمانت اجرایی ضعیف است.

در سطح جهانی بر اصول توافق داریم، اما در سطح ملی اجرا وجود نمی‌شود. دولت‌ها اغلب توسعه کوتاه‌مدت را در اولویت می‌گذارند مانند سدسازی، گسترش کشاورزی، و کسب منافع اقتصادی سریع، حتی اگر به قیمت آوارگی مردم، نابودی میراث فرهنگی، یا تخریب اکوسیستم‌ها تمام شود.

کشورهای فقیرتر به‌ویژه به‌دنبال رشد اقتصادی هستند و بنابراین بیشتر حاضرند از حقوق بشر، حقوق بومیان و حفاظت محیط زیست چشم‌پوشی کنند. جوامع اغلب مشورت داده نمی‌شوند و مشارکت وجود ندارد. تنها بعدها،

وقتی خسارت غیرقابل بازگشت است، سؤالات مطرح می‌شود: اصلاً این پروژه لازم بود؟ صدای مردم محلی شنیده شد؟ اما خیلی دیر شده است. وقتی دولت‌ها مصالحه کردند، پاسخ‌گو کردن مسوولان از نظر حقوقی بسیار دشوار می‌شود. این چالش در تغییرات اقلیمی هم وجود دارد: می‌دانیم اقتصادهای صنعتی مسوول‌اند، اما پاسخ‌گویی در عمل چه معنایی دارد؟ چگونه باید غرامت محاسبه شود و به چه کسانی برسد؟ این پرسش‌ها بی‌پاسخ مانده‌اند. تا زمانی که چارچوب‌های الزام‌آور ایجاد نکنیم که سوءمدیریت آب را به شکست حکمرانی و نقض حقوق بشر پیوند بزنند، پاسخ‌گویی همچنان ضعیف خواهد ماند.

محمد تاج‌دولتی: با شدت گرفتن تغییرات اقلیمی و رقابت در سیستم‌های آب، غذا و انرژی، دولت‌ها چگونه می‌توانند اولویت‌ها را طوری تنظیم کنند که حقوق را رعایت و آسیب‌پذیران را محافظت کنند؟

کاوه مدنی: در سطح جهانی بر اصول توافق کرده‌ایم. اما در سطح ملی، دولت‌ها همچنان منافع خود را در اولویت قرار می‌دهند. کشاورزان، برای مثال، ۷۰ درصد آب جهان را مصرف می‌کنند. معیشت آن‌ها باید حتی هنگام اصلاحات نیز محافظت شود. دولت‌ها باید توسعه را با حفاظت از جوامع آسیب‌پذیر، به‌ویژه روستاییان، کودکان و کشاورزان معیشتی که همین حالا هم آموزش یا سلامت را فدای تأمین آب می‌کنند، متعادل سازند.

فقرا نباید هزینه اصلاحاتی مانند حذف یارانه‌ها، تغییر نظام قیمت‌گذاری یا بازتخصیص آب را

ورشکستگی را بپذیرند، الگوهای توسعه را است: بین فقیر و غنی، گروه‌های قومی، و شهر و روستا. بنابراین همزمان با پرداختن به حکمرانی آب باید به موضوعاتی مانند عدالت و برابری بپردازد.

محمد تاج‌دولتی: چگونه می‌توان با سازمان ملل می‌تواند حمایت کند، و با تعیین چارچوب آن را ترویج کند، اما نمی‌تواند فقط بر دولت‌ها غلبه کند. پاسخ‌گویی واقعی و عدالت نیازمند کنشگری داخلی است: از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد، روزنامه‌نگاران، جوامع و نهادهای مدنی که دولت‌ها را پاسخگو نگه دارند. وگرنه منابع همچنان به سمت پروژه‌های عظیم خواهد رفت که نخبگان را ثروتمندتر و فقرا را فقیرتر می‌کند.

محمد تاج‌دولتی: شما بارها گفته‌اید که ایران یک «کشور ورشکسته آبی» است. از این وضعیت چه درسی می‌توان گرفت؟

کاوه مدنی: درس روشن است: هرچه کشوری بیشتر انکار کند که ورشکسته آبی است، راه‌حل‌های کمتری باقی می‌ماند. یک سیستم ورشکسته مثل بیماری است که هشدار پزشکان را نادیده می‌گیرد و بی‌خیال زندگی می‌کند تا زمانی که خیلی دیر شود. در مراحل اولیه، اصلاحات ممکن است. بعدها، فقط سازگاری باقی می‌ماند.

دهه‌ها سوءمدیریت، رشد ناپایدار و انکار، خسارت‌های غیرقابل بازگشت ایجاد کرده است: فرونشست زمین، خشک شدن تالاب‌ها، و فروپاشی سفره‌های آب زیرزمینی. این‌ها قابل بازگرداندن نیستند؛ فقط می‌توان مانع بدتر شدن اوضاع شد. کشورها باید زودتر موضوع

متحمل شوند. درون کشورها، نابرابری‌ها شدید است: بین فقیر و غنی، گروه‌های قومی، و شهر و روستا. بنابراین همزمان با پرداختن به حکمرانی آب باید به موضوعاتی مانند عدالت و برابری بپردازد.

محمد تاج‌دولتی: سیاست‌گذاری علمی، همکاری منطقه‌ای و چندجانبه‌گرایی از بحران‌های بیشتر جلوگیری و مدیریت پایدار را تضمین کرد؟

کاوه مدنی: نخست باید بپذیریم که بحران‌های آبی مرز نمی‌شناسند. هر کشور، توسعه‌یافته یا در حال توسعه، به نوعی حق دسترسی به آب را نقض کرده است. این موضوع درباره سرزنش چند دولت خاص نیست؛ درباره شکست جمعی است.

علم، داده و فناوری ابزارهای قدرتمندی‌اند: ماهواره‌ها، الگوهای هوش مصنوعی، سامانه‌های پایش خاک و آب. آن‌ها به ما واقعیت‌ها را نشان می‌دهند. ما نباید از واقعیت بترسیم. اما داده‌ها باید به اشتراک گذاشته شوند و همکاری به شکلی واقعی باشد.

بسترهای چندجانبه، از جمله کنفرانس آب ۲۰۲۶ سازمان ملل، حیاتی‌اند. حقوق بشر در مرکز این نشست خواهد بود و این فرصتی است تا آب را نه به‌عنوان موضوعی فنی، بلکه به‌عنوان مسئله‌ای عدالت‌محور ببینیم.

هیچ کشوری کامل و بی‌نقص نیست. هر کشوری می‌تواند بهتر عمل کند. چندجانبه‌گرایی باید بر پایه فروتنی، همکاری و پذیرش این واقعیت بنا شود که همه ما بدون اقدام جمعی و اشتراک‌گذاری علم و منابع تا تعهدات مشترک شکست خواهیم خورد.

شما بارها گفته‌اید که ایران یک «کشور ورشکسته آبی» است. از این وضعیت چه درسی می‌توان گرفت؟

کاوه مدنی: درس روشن است: هرچه کشوری بیشتر انکار کند که ورشکسته آبی است، راه‌حل‌های کمتری باقی می‌ماند. یک سیستم ورشکسته مثل بیماری است که هشدار پزشکان را نادیده می‌گیرد و بی‌خیال زندگی می‌کند تا زمانی که خیلی دیر شود. در مراحل اولیه، اصلاحات ممکن است. بعدها، فقط سازگاری باقی می‌ماند.

دهه‌ها سوءمدیریت، رشد ناپایدار و انکار، خسارت‌های غیرقابل بازگشت ایجاد کرده است: فرونشست زمین، خشک شدن تالاب‌ها، و فروپاشی سفره‌های آب زیرزمینی. این‌ها قابل بازگرداندن نیستند؛ فقط می‌توان مانع بدتر شدن اوضاع شد. کشورها باید زودتر موضوع



روزبه بوالهری

محیط زیست و دادخواهی: از سرکوب تا ضرورت کمیسیون حقیقت‌یاب در ایران



تشکیل شدند؛ به‌خصوص درباره نقض حقوق بشر از هنگام استقرار جمهوری اسلامی تاکنون و گردآوری

مستندات و تلاش برای حقیقت‌یابی. اما در مورد مسائلی مثل محیط زیست و مسائل اجتماعی چنین روندی کمتر دیده شده است. به نظر شما دلیل این کوتاهی یا این که چرا چنین اقدامی تا حال صورت نگرفته است، چیست؟

شاهین میلانی: ببینید، حقوق محیط زیست با میثاق‌های بین‌المللی، مثل میثاق حقوق مدنی و سیاسی یا میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت است. در آنها به موضوع محیط زیست اشاره مستقیم نشده است. بنابراین می‌شود این موضوع را ذیل نقض حقوق سیاسی محسوب کرد چون در واقع حقوق شهروندان در تصمیم‌گیری و فرایند تصمیم‌گیری نقض شده و به آنها امکان مشارکت در تصمیم‌گیری محیط زیستی داده نشده است؛ زیرا به طور کلی در جمهوری اسلامی، شهروندان حق مشارکت واقعی ندارند. از طرف دیگر، نقض حقوق مدنی و سیاسی - از اعدام و کشتار خیابانی تا زندان و شکنجه - آن‌قدر شدید

روند ادامه‌دار نقض گسترده حقوق بشر در ایران بسیاری از فعالان را به این فکر واداشته است که پیش از هرگونه تغییر سیاسی، پایه‌های یک کمیسیون حقیقت‌یاب را بنا کنند؛ نهادی که در دوران گذار بتواند با آسیب‌شناسی گذشته، از تکرار خطاها جلوگیری کند و تا حد امکان راهی برای جبران بگشاید. با این حال، در حالی که بیشتر دغدغه‌ها بر حقوق مدنی و سیاسی متمرکز بوده است، کمتر به آب و محیط‌زیست به‌عنوان حقوق بنیادینی نگریسته شده که حکومت به‌شدت آن‌ها را نقض کرده است. سابقه شاهین میلانی در ثبت مستندات حقوق بشری و تخصص او در حقوق محیط‌زیست، انگیزه‌ای برای انجام این گفت‌وگو شد.

روزبه بوالهری: در سال‌های اخیر در مورد نقض حقوق سیاسی و مدنی در ایران بسیار شنیدیم و همچنین شاهد بودیم که دادگاه‌هایی در این زمینه

و ملموس بوده است که پرداختن به محیط زیست سخت‌تر می‌شود و به چشم نمی‌آید؛ مگر وقتی که به وضعیتی مثل کم‌آبی برسیم که الان با آن مواجه هستیم و برای همگان نیز به امری ملموس تبدیل شده است. این هم محصول یک روند طولانی اهمال و دست‌بردن به منابع آبی بدون مشارکت مردم از سوی جمهوری اسلامی بوده که ما را به این شرایط رسانده است.

روزبه بوالهیری: اتفاقاً در مورد برخورد با فعالان محیط زیست از جمله در منطقه آذربایجان - در جریان اعتراض‌ها به خشک شدن دریاچه ارومیه - شاهد بازداشت گسترده دهه‌ها تن از معترضان بودیم. در خوزستان و مناطق دیگر هم برخوردهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی با معترضان انجام شده است. این در شرایطی است که با توجه به اصل ۵۰ قانون اساسی اصل ۲۷ قانون اساسی اجازه می‌دهد که اگر اعتراض‌ها مخل مبانی اسلام نباشد و سلاح حمل نشود، تجمع‌های مسالمت‌آمیز برگزار شود. پس چرا جمهوری اسلامی با این اعتراض‌ها برخورد می‌کند؟

شاهین میلانی: جمهوری اسلامی اساساً با هر نوع کار سازمان‌یافته مخالفت می‌کند و آن را تهدیدی برای خود می‌بیند. حالا فرق نمی‌کند موضوع در چه موردی باشد. اگر یادتان باشد چند سال پیش شماری از نوجوانان را به خاطر «آب بازی» در پارک گرفتند - چون یک سازماندهی انجام شده بود که عده‌ای دور هم جمع شوند. از تشکل‌های کارگری تا اقلیت‌های مذهبی هم همین‌طور است. یعنی هر سازمان‌دهی خارج از دایره مورد تأیید حکومت سرکوب می‌شود. طبیعی است که فعالیت‌های محیط زیستی هم مشمول این

قضیه شده است. وقتی چند نفر بخواهند کار علنی یا نیمه‌علنی بکنند، حکومت آن را امنیتی می‌بیند و آنها را بازداشت می‌کند. حکومت به قانون اساسی خود، و به تعهدات بین‌المللی خود پایبند نیست. مسئله این نیست که موضوع «محیط زیست» باشد و یا چیز دیگر؛ با هر چیز که رنگ سازمان‌دهی داشته باشد و مورد تأییدش نباشد، برخورد می‌کند.

روزبه بوالهیری: از حدود ۱۵ سال پیش 'حق برخورداری از آب' در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شد و دولت‌ها موظف هستند این حق را تضمین کنند. اما در ایران در عمل چنین چیزی نمی‌بینیم. مثلاً در شرق اصفهان، کشاورزان از حق آبه‌ای که به طور سنتی از زمان صفویه به این طرف داشتند محروم شدند. مقامات جمهوری اسلامی هم این حق آنها را تأمین نکردند. سؤال این است که چطور می‌شود این موارد را جمع‌آوری و مستندسازی کرد و در اختیار نهادهای حقوق بشری گذاشت؟

شاهین میلانی: پرسش بسیار جالبی است. ببینید، برای بعضی موارد نقض حقوق بشری - مثل جنایت علیه بشریت یا کشتار و نسل‌کشی - این‌طور نیست که حتماً در زمان وقوع، قانون محلی و ملی مشخصی آن را جرم‌انگاری کرده باشد؛ مانند زمان محاکمه برخی از مقامات نازی پس از جنگ جهانی دوم که مدعی بودند که کار خلاف قانونی بر پایه قوانین آلمان انجام ندادند. اما در مسائل محیط زیستی کار سخت‌تر است. به طور معمول باید قانونی برای پیگرد وجود داشته باشد که نقض شده باشد. برای مثال کسی که اقدام به برداشت بی‌رویه آب کرده است، می‌گوید «من مجوز دولتی داشتم». بنابراین در چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری، مثل

جنایت علیه بشریت، به‌سختی می‌شود کار پیگیری کیفری انجام داد و متهمان را محاکمه کرد. اما می‌شود از قوانین داخلی جمهوری اسلامی استفاده کرد. خیلی از کارهایی که انجام شده حتی بر اساس قوانین خود جمهوری اسلامی هم غیرقانونی بوده است؛ مانند دادن و گرفتن رشوه، صدور مجوزهای خلاف ضابطه، و دور زدن روندهای اداری. خیلی از قوانین روی کاغذ مثبت هستند، ولی اجرا نشده‌اند. بنابراین در آینده می‌توان ناقضان را - حداقل - بر مبنای همین قوانین داخلی تحت پیگرد قرار داد. فرق آن با جرایم بین‌المللی در این است که در اینجا بیشتر با تخلفات و جرائم اداری/ملی طرف هستیم تا عنوان‌هایی مثل جنایت علیه بشریت.

روزبه بوالهیری: در مورد محیط زیست خیلی از پروژه‌های عمرانی در جمهوری اسلامی تأثیرات بسیار شدیدی بر زندگی مردم گذاشته است؛ مثل احداث پل بر روی دریاچه ارومیه و یا سد هایی که ساخته شدند و مشکلاتی را ایجاد کردند و همچنین طرح‌های انتقال آب. اینها باعث مهاجرت اجباری گسترده شده است و پیش‌بینی می‌شود که در بخش‌هایی از جنوب ایران، به خاطر گرمای شدید و سیاست‌های مدیریتی غلط در جمهوری اسلامی، روند مهاجرت افزایش پیدا کند. الان هم خیلی‌ها کوچ فصلی می‌کنند. برای مثال یکی از دوستانم در تابستان از جنوب به اصفهان یا مناطق سردتر می‌رود چون زندگی در جنوب در تابستان بسیار سخت است. این موارد به معنی نقض عدالت محیط زیستی است. سؤال این است که در دوره گذار و در دولت آینده، چطور جلوی تکرار این تجربه‌ها گرفته شود؟

شاهین میلانی: به طور خاص اطلاع می‌دهم که در مورد دادخواهی برخی می‌گویند باید آن را به بعد از زمان استقرار حکومت جدید موکول کرد؛ ولی بعضی‌ها هم معتقدند از همین حالا باید مستندسازی و پیگیری را شروع کرد. آیا تجربه مشابه دادخواهی در این مورد در کشورهای دیگر داشتیم؟

شاهین میلانی: به طور خاص اطلاع می‌دهم که در مورد تجربه محیط زیستی ندارم. تجربه مشخص و کمتری در حوزه محیط زیست وجود دارد، ولی این تجربه در حوزه‌هایی مثل شکنجه و اعدام بیشتر دیده می‌شود. محیط زیست مقوله جدیدی است. باز

هم می‌گویم که می‌توان موارد نقض آن را ذیل نقض حقوق سیاسی بررسی کرد.

روزبه بواله‌ری: به نوعی «حق زندگی» است. به عبارت دیگر وقتی منابع آب با سیاست‌های غلط خشک می‌شود، این وضعیت بر روی زندگی میلیون‌ها انسان اثر می‌گذارد. حتی گفته می‌شود که ممکن است در تبریز به‌خاطر طوفان‌های نمکی و پیامدهایش، بعضی مجبور به مهاجرت شوند.

شاهین میلانی: اگر بخواهیم به لحاظ قضایی جلو برویم، باید دفاعیات متهمان را هم در نظر داشت. در مسائل محیط زیستی، عوامل اقلیمی هم وجود دارند. خب آن متهم می‌گوید: نقشش کم بوده و گرمایش زمین نقش داشته، کمبود بارش بوده، و... این با مواردی مانند شکنجه و اعدام فرق دارد. تصمیم‌ها هم به طور معمول زنجیره‌ای هستند و ده‌ها تن در کمیته‌ها و شوراهای نقش دارند. برخلاف یک پرونده اعدام که قاضی مشخص است یا پرونده شکنجه که مباشر آن مشخص است، اینجا انتساب مستقیم به یک فرد خاص برای محکومیت کیفری سخت خواهد بود.

روزبه بواله‌ری: ولی غیرممکن نیست. **شاهین میلانی:** غیرممکن نیست ولی دشوار پیچیده است.

روزبه بواله‌ری: امروز ویدیویی از آقای درویش (فعال محیط زیست) دیدم که به تحقیقات یک استاد دانشگاه درباره دریاچه ارومیه استناد کرد و گفت که طی ۳۰ تا ۴۰ هزار سال گذشته، دریاچه با چنین وضعیتی مواجه نشده است؛ یعنی منطقه دوره‌های خشکی اقلیمی رو تجربه کرده، اما تا به حال به چنین شرایطی نرسیده بوده و نشانگر آن است که عامل انسانی نقش پررنگی داشته است. حال سؤال این است که سیستم قضایی چه نوع

«ادله» ای رو می‌پذیرد؟ **شاهین میلانی:** باید دید که در سیستم قضایی آینده باید دید که چه ادله ای مورد قبول قرار خواهد گرفت. در سیستم قضایی آمریکا که من با آن آشنا هستم، «ادله» مبحث مهمی است. در این ارتباط بعضی چیزها اصولاً قابل استناد نیست؛ مثل نقل قول نقل قول که اجازه مطرح شدن آن در دادگاه وجود ندارد. پرونده‌های کیفری، که معیار اثبات «فراتر از شک معقول» است؛ یعنی پرونده باید خیلی محکم باشد. در دعاوی مدنی، معیار پایین‌تر است که «غلبه ادله» محسوب می‌شود. حالا در موضوع محیط زیست استاندارد اثبات برای آن که بخواهیم کسی را به گرفتن حق حیات یا مختل کردن زندگی مردم متهم کنیم و خواستار حکم کیفری برای او شویم، خیلی بالاست. وقتی بین تصمیم آن فرد و پیامدهایی چند لایه تصمیمی و عوامل بیرونی (مثل گرمایش زمین) وجود دارد، انتساب مستقیم سخت خواهد بود. ممکن است تیم دادستانی در آینده به این جمع‌بندی برسد که محکومیت کیفری دشوار است و سراغ چنین پرونده‌هایی نرود.

روزبه بواله‌ری: اتفاقاً در پاسخ‌های شما یک موضوع وجود دارد و آن این است که در سالیان گذشته حتی در کشورهای جهان دیدیم که

کمیسیون‌های مستقل حقیقت‌یاب در مورد حقوق بشر و برخی مسایل دیگر تشکیل شدند. فرض کنیم که یک کمیسیون مستقل حقیقت‌یاب محیط زیستی در ایران تشکیل شود. در این صورت چه اهدافی را باید دنبال کند؟

شاهین میلانی: ابتدا باید مشخص شود که تصمیم‌ها در چه روندی گرفته شده؛ آیا رشوه‌ای در کار بوده؟ چه انگیزه‌هایی در سدسازی و سایر موارد وجود داشته؟ آیا تعارض منافع وجود داشته است؟

همچنین این که نقش شرکت‌های شبه‌خصوصی وابسته که هم مشاور و هم پیمانکار بودند چه بوده است. و یا این که قراردادهای چطور بسته شدند؟ ضمن آن که آیا کارشناسان در بدنه دولت هشدار داده بودند که نادیده گرفته شد؟ اگر آنها به‌خاطر این هشدار تنبیه شده یا کنار گذاشته شده باشند، باید ثبت شود. بعد هم باید دید چه تصمیم‌هایی باید گرفته شود تا حد امکان محیط زیست را بازسازی کرد؛ اثرات مخرب را کاهش داد و به عقب بازگرداند و بهبود بخشید. هدف فقط اتهام‌زدن نیست؛ راه‌حل مشکل هم باید ارائه شود.

روزبه بواله‌ری: فرض کنیم که چنین کمیسیونی تشکیل شد. چقدر این کمیسیون می‌تواند با توجه به شرایط فعلی و قوانین موجود موفق باشد؟

شاهین میلانی: کارآمدی این کمیسیون منوط به حضور واقعی جوامع محلی، کشاورزها، متخصصان مستقل، و نمایندگان مناطق مختلف است. اگر جایی از کشور فراتر از سهمش هزینه محیط زیستی داده است، باید این هزینه بین بقیه نقاط کشور به طور عادلانه سرشکن شود. البته این مهم است که شهروندان بدانند که چه خطراتی در پیش روی آنها قرار دارد و از این لحاظ خوب است که در این مورد اطلاع‌رسانی انجام شود. غیر از این نمی‌توان انتظار داشت که کار کمیسیون تأثیری بر سیاست‌های جمهوری اسلامی داشته باشد.

روزبه بواله‌ری: در مورد آینده اشاره کردید که احتمالاً برخی از پروژه‌ها باید متوقف شوند تا بررسی شود که چقدر منافع مردم در مناطق مختلف در نظر گرفته شده است. چه اندازه نتایج کار کمیسیون خواهد توانست برای تحقق عدالت محیط زیستی به وظایفش عمل کرده است یا خیر. این اقدامات را کمیسیون می‌تواند تجربه کشورهای دیگر را در متمر ثمر باشد؟

شاهین میلانی: ببینید ابتدا باید مفهوم آن باید در جامعه جا بیفتد که وقتی نهاد قانونگذار داشته باشد به آن توجه کند. هر پروژه اقتصادی یا توسعه ای هزینه خواهد داشت ولی باید تلاش کرد که آن را به حداقل رساند و بر اساس عدالت محیط زیستی این هزینه هم نباید بر دوش یک قشر جامعه باشد. در همین ارتباط مثلاً ما مطلع نیستیم که زباله‌های صنعتی و یا اتمی در کجا دفن می‌شوند. من حدس می‌کنم که در جایی دفن می‌شوند که کمترین سر و صدا را به همراه داشته باشد و حدس می‌زنم که احتمالاً آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه از آن آسیب خواهند دید.

بر همین اساس باید تحقیق کرد که چه اقشار و یا گروه‌های قومی آسیب دیده‌اند و در همین ارتباط باید تدابیری اتخاذ شود که آنها هزینه آن را متحمل شوند. اگر دموکراسی در یک کشور وجود داشته باشد این روند پیش خواهد رفت.

روزبه بواله‌ری: خروجی مطالعات کمیسیون تا چه اندازه خواهد توانست در تصمیم‌های دولت گذار موثر باشد؟

شاهین میلانی: این به عزم سیاسی مردم بستگی دارد و این که تا چه اندازه برای مردم اهمیت دارد و نهادهای اجرایی و تقنینی آینده را تحت فشار قرار دهند. در برخی از کشورهای جهان مانند آمریکا سازمان‌های مردم‌نهاد محیط زیستی وجود دارند که از طریق فعالیت‌های خود دولت را به دادگاه می‌کشند اما در ایران چنین سازمانی را نمی‌شناسم که چنین توانایی داشته باشد. از نظر من کمیسیون می‌تواند در این زمینه می‌تواند با بررسی‌های خود مشخص کند که مثلاً سازمان محیط زیست به وظایفش عمل کرده است یا خیر. این اقدامات را کمیسیون می‌تواند تجربه کشورهای دیگر را در فعالیت خود در نظر بگیرد.



ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net